

تفسیر سوره قمریش (جلسه اول)

متن مستخرج از فایل صوتی تدریس استاد تاج آبادی - ۱۴۰۰/۰۱/۲۰

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

لَايِلَافٍ قُرَيْشٍ (۱) اِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ (۲) فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (۳) الَّذِي
أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ (۴)

به نام خداوند گسترده مهر مهربان

از آن روی که خداوند قریش را با کوچ نمودن مأنوس ساخت، (۱) آنان را با کوچ زمستانی و تابستانی
مأنوس ساخت تا با امنیت سفر کنند و معیشت خود را فراهم آورند، (۲) به شکرانه اش باید خداوندگار
این خانه (کعبه) را پرستند؛ (۳) همان کسی که آنان را در سرزمینی که اسباب معیشت فراهم نبود، از
گرسنگی رهایی بخشید و طعامشان داد، و آنان را از ترس و دلهره ایمن ساخت. (۴)

سه مرحله تفسیر سوره

تفسیر سوره قریش را ان شاءالله در سه مرحله پی می گیریم. در قدم اول یک مقدمه کوتاهی درباره این سوره
داریم و در بخش دوم یک تفسیر اجمالی از آیات این سوره خواهیم داشت و در قدم سوم یک تحلیل تاریخی
قرآنی می کنیم از مفاد کلی این سوره.

مرحله اول

شناسه و موضوع محوری سوره

اما به عنوان اولین نکته باید عرض بکنیم که موضوع محوری این سوره امتنان و اکرام ویژه خداوند متعال را
دارد بیان می کند نسبت به قبیله قریش، و ضمناً الزام آنها را به پرستش خداوند متعال. همانطوری که فرمودند
این سوره از سوره های مکی قرآن کریم است.

نکته بعد این است که یک بحثی در میان مفسران در گرفته و آن این است که آیا سوره قریش خودش یک سوره
مستقلی هست یا سوره قریش مستقل نیست؛ بلکه متمم و مکمل سوره فیل هست. الم تر کیف تا آخر؟

همچنانکه در مورد سوره ضحی و سوره آلم نَشْرَح هم این بحث مطرح است که می گویند این دو تا روی هم یک سوره هستند نه اینکه دو تا سوره مجزا باشند.

اینکه سوره قریش و سوره فیل دو سوره مجزا نیستند؛ بلکه یک سوره هستند و مکمل یکدیگرند، این هم در میان برخی از مفسران اهل سنت طرفدار دارد هم برخی از مفسران و علمای شیعه از این نظریه جانب داری کرده اند. مفسران اهل سنت دلایلی دارند برای خودشان و برخی از مفسران و محدثین و فقهای شیعه هم دلایل جداگانه ای برای خودشان دارند.

دلایلی که اینها مطرح کردند این است که مثلاً اهل سنت می گویند یک روزی عمر بن خطاب در نماز بعد از سوره حمد هم سوره قریش را خواند و هم سوره فیل را خواند بدون اینکه بسم الله را بین شان ذکر کند. این که عمر چنین کاری کرده این دلیل بر این است که اینها دو تا سوره مستقلی نیستند. (!!!!)

شبهه این استدلال را برخی از مفسران شیعه دارند که بر اساس روایتی، وجود امام صادق علیه السلام نماز می خواندند به جماعت و راوی می گوید که در نماز جماعت امام صادق علیه السلام بعد از سوره حمد این دو سوره را خواندند سوره قریش و سوره فیل را خواندند و بسم الله هم بین آن نگفتند و ما نشنیدیم که حضرت بسم الله بگویند.

این دلیلی که اینها دارند دلیل دیگرش این است که بین این سوره قریش و سوره فیل یک پیوند معنایی وجود دارد چرا؟ چون در سوره فیل خداوند متعال دارد آن نعمت و اکرامی که در حق مکه و اهل مکه کرده را بیان می کند که سپاه ابرهه آمد که شما را از بین ببرد و مکه را از بین ببرد و ما آمدیم و شما را نجات دادیم و سپاه ابرهه را از بین بردیم.

سوره قریش هم دارد همین را می گوید. دارد یکی از نعمت ها و اکرام های خداوند متعال را به اهل مکه بیان می کند که قریش است. می گویند چون موضوع این سوره در واقع با هم پیوند دارند و پیوند معنایی دارند پس اینها دو تا سوره مستقلی نیستند بلکه یک سوره هستند.

برخی از مفسران این دیدگاه را قبول ندارند. مرحوم علامه طباطبایی از جمله این مفسران است که انکار کرده این نظریه را و ادله آنها را به نقد کشیده است. مرحوم علامه طباطبایی می فرماید که اولاً، این که دو تا سوره پیوند

معنایی با هم داشته باشند دلیل بر این نمی شود که این ها مکمل هم باشند و دو سوره مستقلی نباشند. ما سوره هایی داریم که پیوند معنایی حتی پیوند در غرض سوره و موضوع سوره دارند و در عین حال سوره های مستقلی هستند و شماها در آنجاها چنین اعتقادی ندارید که آنها را یک سوره واحدی بدانید.

پاسخ دیگرشان این است مطلبی که شما درباره عمر ذکر می کنید که برای ما ارزش ندارد. آن روایتی که از امام صادق علیه السلام شما نقل می کنید، راوی می گوید که من نشنیدم امام صادق (ع) بین دو سوره بسم الله بگوید، خوب شاید حواس راوی پرت بوده، راوی توجه نداشته. یا امام صادق علیه السلام بسم الله سوره دوم را آرام خواندند به گونه ای که آن فرد نشنود. اینکه یک بار در نماز جماعت چنین اتفاقی افتاده آن هم این احتمالات را داریم، این دلیل نمی شود که شما بگویید اینها دو سوره مستقل نیستند؛ بلکه روی هم یک سوره هستند.

بعد علامه طباطبایی می فرماید که اتفاقاً ما روایاتی از امام صادق علیه السلام داریم که آن ها دلالت می کند که از نظر امام صادق علیه السلام سوره قریش و سوره فیل دو تا سوره مستقل هستند؛ نه یک سوره. یکی از آن روایات این است که امام صادق علیه السلام فرمودند که اگر می خواهید نماز بخوانید در نماز، در هر رکعتی بعد از سوره حمد یک سوره باید بخوانید. شما حق ندارید در نمازتان در رکعت واحد بعد از سوره حمد دو تا سوره بخوانید. مگر اینکه سوره قریش یا سوره فیل باشد. اگر این دو تا سوره را بخوانید در کنار هم در یک رکعت بخوانید اشکال ندارد، اما سوره های دیگر را اگر بخوانید دو تا سوره را در کنار هم در رکعت واحد بخوانید اشکال دارد.

علامه طباطبایی می فرماید که همین بیان امام صادق علیه السلام دلالت بر این می کند که اینها دو تا سوره مستقل هستند چون امام صادق می فرماید فقط این دو سوره را می توانید کنار هم بخوانید و سوره های دیگر را نمی توانید در رکعت واحدی بخوانید.

این مطلبی است که درباره این سوره است که آیا یک سوره مستقل هست سوره قریش یا در واقع مکمل و متمم سوره فیل هست؟

البته در کنار این مطلب از لوازم و فروع این مطلب بحث های دیگری شده که آیا می شود سوره فیل و قریش را در یک رکعت واحد خواند؟ اینها دیگر بحث های فقهی است که فقها باید فتوا بدهند. این روایتی هم که از امام صادق علیه السلام خواندیم دلالت داشت بر جواز. اما اینکه جایز است سوره های قریش و فیل را در یک

رکعت بخوانیم، این فقط جواز خواندن این دو تا سوره را در کنار حمد دارد بیان می کند، دلالتی بر این ندارد که اینها دو سوره مستقلی نباشند؛ البته فقها هم فتوا داده اند بر اینکه می شود این دو سوره را در رکعت واحد با هم قرائت کنیم.

مرحله دوم؛ تحلیل اجمالی آیات سوره

اما بخش دوم بحث ما تفسیر آیات این سوره هست.

آیه اول

قریش

لایلافِ قُریش؛ قریش در واقع لقب جدّ دوازدهم پیامبر بزرگوار اسلام بوده یعنی لقب نذر ابن کنانه بوده. نذر ابن کنانه ملقب بوده به قریش، اینکه چرا به ایشان قریش میگفتند احتمالاتی دارند مفسرین و مورّخین. یکی از آن احتمالات این هست که این شخص بزرگوار در واقع یک علاقه زیادی داشته به کمک کردن به نیازمندان. یعنی همیشه جستجو می کرده، تفتیش می کرده که آیا آنهایی را که می شناسد در اطرافش هستند دارند زندگی شان می چرخه، نمی چرخه، معیشت شان برقرار است یا نه؟ می کوشیده که آنها را شناسایی کند و در حدّ امکان به آنها کمک بکند و چون در واقع تلاش کردن و تفتیش کردن، جستجو کردن در این موضوع را، اصطلاحاً تفتیش کردن را عرب یکی از واژه هایی که برای این معنا به کار می برد واژه قُریش هست؛ به همین خاطر به این فرد گفتند قریش. چون تقریش می کرده، تقریش یعنی تفتیش کردن. به این خاطر به این شخص که جدّ بزرگوار جدّ دوازدهم وجود مقدس پیامبر بزرگوار اسلام هست می گفتند قریش، و لذا فرزندان این فرد را یعنی همه اعرابی که نسب شان به فرزندان نظربن کنانه می خورد به همه اینها اصطلاحاً می گویند قریش یا قریشی.

ایلاف

نکته دیگر این است که واژه ایلاف از کلمه الف هست. الف به معنای اجتماع همراه با همبستگی با انس است. این ثلاثی مجرد الف که باب افعال برود می شود ایلاف. ایلاف یعنی ایجاد اجتماع و همبستگی و انس.

و ایلاف قریش که فاعلش خداوند متعال هست یعنی خداوند متعال در قریش ایجاد اجتماع و همبستگی و انس و الفت کرد. چون واژه اُلفت هم از الف هست که به معنای اُنس و در واقع نزدیکی دل هاست.

البته برخی از لغت شناسان الف را به ملازمت و تجهیز کردن و آماده کردن معنا کردند. که اگر الف را به معنای آماده کردن بگیریم، لایلاف قریش؛ یعنی ما شما را آماده کردیم، ما شما را تجهیز کردیم برای آن سفرهای زمستانی و تابستانی که در آیات بعد در واقع به آن اشاره شده است.

خُب، ایلاف قریش؛ به معنایی که گفته شد که معنای اصلیش که بیشتر این مفسران هم این معنا را برگزیدند به معنای ایجاد اجتماع همراه با همبستگی هست. برخی از مفسران مثل مرحوم علامه طباطبایی گفته اند مُراد، ایجاد همبستگی و ایجاد اجتماع برای این سفرهای تجاری است که بعضاً توضیحش داده می شود.

اما برخی از مفسران مثل **فخر رازی** می گویند نه، در اینجا یک معنای عامی دارد. خداوند متعال می فرماید ما در شما ایجاد همبستگی کردیم و اُلفت کردیم در میان قریش. یکی از ثمرات این الفت، یکی از ثمرات این همبستگی و دل بستگی و اجتماع این است که شما در واقع سفرهای کاروانی مشارکتی شکل می دهید و در واقع به سفرهای تجارتی می روید.

این بحث را هم برخی ها مطرح کردند که آیا این ایلاف که به معنای ایجاد همبستگی و الفت و انس هست، صرفاً در ارتباط با مردم قریش، یعنی قریشیان نسبت به یکدیگر است یا نه یکی از مصادیق ایلاف این است. ایلاف مصداق دومی هم دارد و آن این هست که ما در دل مردمان، در دل دیگر اعراب نسبت به قبیله قریش، انس و الفت ایجاد کردیم؛ یعنی هم اُنس و اُلفت ایجاد کردیم در میان خود قریش، ایجاد اجتماع و همبستگی، هم کاری کردیم که عرب های اطراف یک علاقه ای، یک اُنسی، یک اُفتی نسبت به این قبیله قریش پیدا بکنند، این را ما انجام دادیم.

یعنی مفسران می خواهند بگویند که **لایلاف قریش** اینچنین معنای گسترده ای دارد و به نظر ما بر اساس آن تحلیل تاریخی و قرآنی که در بخش بعدی خواهیم داشت این نظریه، نظریه خوبی است و تایید می کند این نظر را که در واقع که این اُلفت و اُنسی که خداوند متعال می فرماید: ما ایجاد کردیم و یکی از نعمت های بزرگ ما نسبت به قریش است، این است که هم میان خودشان این همبستگی را ایجاد کردیم، هم کاری کردیم که اعراب

دیگر، مردمان اطراف و مردمان شهرها و کشورهای دیگر می آمدند و نسبت به قریش یک اُفتی، یک اُنسی و محبتی داشتند.

درباره **لایلاف قریش** نکته دیگر در باب **لام** اش هست در اینجا. به لایلاف قریش این لام به چه معناست؟ یکی از معانی که برای این لام گفته شده و شاید بهترین معنا باشد، این است که این لام، **لام تعلیل** است. لایلاف قریش در واقع این لام، لام تعلیل است و متعلق است به آیه **فلیعبدوا؛** پس باید پرستش بکنند پروردگار این خانه را. باید پرستش کنند خدای کعبه را؛ چرا و به چه علت؟ لایلاف قریش؛ به این علت که ما اُلفت ایجاد کردیم در قریش. یعنی ای قریش یان، ای اهل مکه، شما باید دست از بُت پرستی بردارید، شما باید خدا پرست باشید. چرا خدا پرست باشید؟ به خاطر این که ما در میان شما اُلفت ایجاد کردیم، ما ایجاد همبستگی کردیم، ما کاری کردیم شما کاروان های تجارتی راه اندازی کنید در زمستان و تابستان و وضع معیشت تان سامان بگیرد.

به خاطر این نعمتی که ما به شما دادیم، **نعمت ایلاف**، شما پس باید پرستش بکنید خدای یگانه را. در واقع این **لایلاف قریش مقدم شده بر فلیعبدوا؛** باید این لایلاف بعد از فلیعبدوا می آمد. الان مقدم شده بر متعلق خودش که به این علت که در واقع بخواهد بگوید این نعمتی که ما دادیم نعمت بزرگی است برای اینکه عظمت و در واقع بزرگی این نعمت خدا را برساند، این را مقدم کرده بر فلیعبدوا. این هم نکته ای است که درباره این موضوع مطرح است.

آیه دوم

آیه بعدی **ایلافهم رحله الشتاء و الصیف؛** این آیه در واقع به نوعی دارد توضیح می دهد لایلاف قریش را؛ ما ایجاد همبستگی کردیم، ایجاد اُلفت کردیم در قریش خُب این چه فایده ای دارد؟ چه ثمره ای دارد؟ می گوید ثمره اش این است که اینها سفرهای تجارتی راه اندازی کردند. هم در زمستان و هم در تابستان. پس این آیه مفسر آیه لایلاف قریش هم است.

رحله

رحله به معنای مسافرت کردن با **راحله** است. **راحله** یک شتر قوی و مناسب برای سفرهای طولانی و دشوار است. یعنی آن شتر قوی ای که آمادگی دارد برای سفرهای طولانی و دشوار به آن می گویند **راحله**؛ **رحله** از

اینجا هست. می گوید ما کاری کردیم که شما با شترهای قوی سفرهای طولانی داشته باشید برای تجارت. این را ما انجام دادیم برایتان.

البته عرض کردم که بخش سوم این مفاد این آیات را باید کمی تحلیل قرآنی و تاریخی بکنیم که آیا واقعا اینطور است؟ این ایلافی که خداوند متعال می فرماید نعمت من برای قریش است این چه فرآیند طبیعی یا غیر طبیعی داشته است؟

همانطوری که تقریبا همه مفسران گفته اند این آیه **رحله الشتا و الصیف** اشاره دارد به سفرهای تجارتی ای که قریش داشته در تابستان. کاروان های تجارتی راه اندازی می کردند به **شام** و در زمستان کاروان های تجارتی راهی می کردند به **یمن** برای امرار معاش و این کاروان های تجارتی هم به نوعی مشارکتی بوده بر اساس گزاره های تاریخی و در واقع اینها این سفرهای کاروانی را و این کاروان های تجارتی و مشارکتی را راه اندازی می کردند، بعد که این کاروان برمی گشت هر کسی سود خودش را بر می داشت و یک بخشی از این سود را از همه می گرفتند و به فقرای قریش می دادند که این باز توضیح بیشترش انشاءالله ذکر می شود.

در آیه بعد می فرماید **فلیعبدوا رب هذا البيت الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف**. که انشاءالله باقی اش در جلسه بعد. و **صلی الله علی محمد و آله الطاهرين**.